

((رویارویی اسلامیتها؛ با حکومت عربستان سعودی))

بقلم: امیرطاهری در نیویورک تایمز

پادشاه تروزیستی ریاض؛ که حداقل ۱۷ کشته به جا گذاشت؛ عربستان سرانجام کابوسی را تجربه میکند که پیش از آن بسیاری از رژیمهای عرب و اسلامی با آن روبرو شده اند: غول اسلامیسیم که خود آنها آفریده اند؛ اینک روی به سوی آنان برگردانده است.

پادشاه ایران از اسلامیتها به مدت بیست سال علیه چپ ها و لیبرالها استفاده کرد و سرانجام خود توسط یک انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ سرنگون شد. انور سادات در سالهای ۷۰ اسلام گرایی را در برابر پان عربیسم تشویق نمود و سرانجام؛ یک اسلامیت او را در سال ۱۹۸۱ از پای درآورد.

ذوالفقار علی بوتونخست وزیر پاکستان دست از باده نوشی شست؛ و به ترویج اسلام در ارتش؛ به عنوان جنبشی علیه چپگرایان و میانه روان مخالف خود پرداخت؛ و خود در سال ۱۹۷۹ توسط ژنرال ضیاءالحق به دار آویخته شد؛ که افسری مسلمان بود و آقای بوتواو را بفرماندهی ارتش منصوب کرده بود.

آنچه که در مورد عربستان سعودی اسباب شگفتی است؛ اینست که مدت این تعامل با اسلامیتها سخت به طول انجامیده است. آنچه را که نمیتوان دانست؛ این است که آیا سعودیها موفق به از پادراوردن غولی که به آفرینشش کمک کرده اند؛ خواهند شد؛ یا نه؟

سعودیها بازی یاورق اسلامیتها را در آغاز دهه شصت شروع کردند؛ آنهم بیشتر برای مقابله با نهضت پان عربیسم جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر. و هنگامیکه ناصر یسم؛ دیگر خطری برای آنها نداشت؛ در سالهای هفتاد آنها از اسلامیتها برای مقابله با خطر کمونیستهای یمن جنوبی و عمان سو دجستند.

از آغاز سالهای ۱۹۹۰؛ ورق اسلامیتها در داخل مملکت علیه تمایلات لیبرالستی طبقه متوسط شهر بکار گرفته شد. دولت یک پلیس مذهبی بنام «مطوی» به وجود آورد که اسباب وحشت شهروندان متمایل بغرب شد؛ که ممکن بود روزی مدعی جانی در حکومت عربستان سعودی بشوند؛ شد.

برابر برخی تخمینها؛ سعودیها در دوده گذشته صدها میلیون دلار برای توسعه اسلامیسیم به اشکال مختلف در داخل و خارج مملکت خرج کرده اند؛ برخی از این مخارج از راه جمع آوری پول در مساجد؛ بازارها؛ مدارس و بیمارستانها و سایر اماکن عمومی در سراسر مملکت تامین شده؛ اما بخش عمده این پولها از بودجه خود مملکت تامین گردیده است.

نخستین نشانه های تنش میان دولت و اسلامیتها در جریان جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ پدیدار شد. در این زمان اسلامیتها از استقبال دولت پادشاهی عربستان از سربازان آمریکایی به عنوان متحد خود علیه صدام حسین به شدت برآشفتنند.

ملک عبدالله در سال ۱۹۹۶ سعی در جلب نظریان عربیستها و لیبرالها و حتی گروهی از مردمان کاملاً "هوادار عرف کرد؛ تا تعادلی در برابر اسلامیتها به وجود آورد. باین مناسبت او چند شورای حکومتی تاسیس نمود؛ که اسلامیتها اعضای آنرا به دیده شک و ظن مینگرند. شک آنها سال پیش هنگامی قوت گرفت که ملک عبدالله طرحی را ارائه داد که بموجب آن دولتهای اسلامی در صورتیکه اسرائیل را به تشکیل یک دولت فلسطینی تن در دهد؛ کشور یهود را به رسمیت بشناسند و با آن روابط دیپلماتیک و تجاری برقرار کنند. این طرح با آمال اسلامیتها که حذف اسرائیل از نقشه جغرافیاست؛ کاملاً "مغایرت داشت.

ملک عبدالله در برابر این جبهه گیری اسلامیه؛ متقابلاً "تمام راهها را برای بی اعتبار کردن آنان در پیش گرفت. کاری که بخصوص اسلامیتها را بیش از پیش به خشم آورد؛ تصمیم ولیعهد مبنی بر ملاقات با گروهی اقلیت شیعه عربستان بود که از حقوق شهروندی کامل برخوردار نیستند.

اسلامیستهای سعودی به شیعیان که ۱۵ درصد جمعیت این مملکت را تشکیل میدهند؛ به چشم ملحد و زندقه مینگرند. با اینهمه؛ ملک عبدالله به شیعیان کرسیهایی چند در شورای مشورتی واگذار کرد و چند شیعه را به مقامات بالای کشور و دیپلماتیک برگماشت.

خشم اسلامیون هنگامی بیشتر بالا گرفت که دولت دست به کار سرکوب اسلامیستهای افراطی زد. در ششماه گذشته جوازکاریش از ۸۰۰ تن واعظ وموذن لغوشده است. اعضای اسلامی گروههای اسلامیست؛ از سیستمهای آموزشی کنار گذاشته شده اند؛ که برابر آمار تقریبی؛ عده آنها بیش از ۲۰۰۰ تن است.

همزمان با این کار؛ به دستور امیر عبدالله کمیته ای مشغول تجدیدنظر در کتابهای درسی شده است؛ و قرار است مطالبی از این کتب که در رد و تحقیر ادیان ومذاهب دیگر؛ مانند مسیحیت و یهودیگری است؛ از کتابها بیرون کشیده شود. این کار در چشم اسلامیستها که صاحبان ادیان دیگر را در بهترین صورت منحرف؛ و در بدترین شکل دشمن خدایانند؛ بسی زشت و ناموجه است.

اسلامیون از اعلام اینکه نخستین انتخابات در تاریخ حکومت سعودی در سال آینده صورت خواهد گرفت؛ سخت برآشفته اند. در این انتخابات که در آن زنها حق رای خواهند داشت؛ آنها هم در مملکتی که در آن زنها؛ حتی حق رانندگی ندارند؛ وبدون اجازه کتبی ولی؛ سفر نمیتوانند کرد؛ یک توهین آشکار میدانند.

دو اتفاق دیگر نیز سبب شده است؛ که اسلامیستها مصمم بمقابله بشوند. اولین موضوع؛ حمله آمریکا به عراق است؛ که طی آن اعلام شد آمریکا تمام پایگاههای خود را در عربستان سعودی برمی چیند. اسلامیستها این تصمیم راناشی از وحشت آمریکا از قدرت خود تلقی کردند؛ و آنرا با تخلیه جنوب لبنان از طرف اسرائیل برابر نهادند. برخی از اسلامیستها معتقدند که آمریکاییها بعزت اشتغال فوق العاده در عراق دیگر قادر به حمایت از متحد دیرینه خود؛ یعنی عربستان نخواهند بود. بنابراین زمان نبرد مناسبی فراهم آمده است؛ و آنها میتوانند در عربستان سعودی و عراق همچون پاکستان و افغانستان بجنگند. اتفاق دومی که اسلامیون عربستان سعودی را سخت خشمگین ساخت؛ سفر ملک عبدالله در ماه سپتامبر به مسکو؛ وملاقات او با آقای پوتین رئیس جمهوری روسیه بود؛ که سخت در میان مسلمانان به خاطر سرکوب مسلمانان چین؛ منفور است.

ولی عهد عربستان سعودی وضع رابادعوت از پوتین برای شرکت در کنفرانس اسلامی کوالالامپور وخیم ترک کرد.

موقعیت در داخل مملکت عربستان بابازگشت قریب ۳۰۰۰ تن از مجاهدین سابق؛ که در افغانستان می جنگیدند و پس از حمله به افغانستان؛ طی دو سال گذشته از پاکستان وافغانستان به عربستان بازگشته اند؛ وخیم تر شده است. برخی از این بازگشتگان در قبایل وشهرهای اصلی خود مستقر گردیده اند. اما بیشتر آنها تروریستهای مسلحی هستند؛ که در سولولهای تروریستی فعالیت دارند و بسیاری از حملات تروریستی سال گذشته به آنها نسبت داده میشود.

دولت عربستان سعودی در آغاز سعی در نادیده انگاشتن این سلولها و سرکوب و درهم پاشی آنها داشت. برابر گزارشهای وزارت کشور عربستان؛ این وزارتخانه در ۱۸ ماه گذشته در ۸۰ فقره عملیات ضد اسلامیستها دخالت داشته وتابه حال بیش از ۱۰۰ تن از آنها را کشته و ۷۰۰ تن را دستگیر کرده اند. اسلامیستها از حمایت اندک مردم برخوردارند. آنها عملاً "از مناطق ثروتمند نفت خیز شرق که اکثریت ساکنان آن شیعی هستند؛ رانده شده اند. آنها همچنان در مناطق جنوبی که پایگاه گروهی دیگر از شیعیان است؛ به چشم غریبه نگریسته میشوند. تنها منطقه ای که هواداران آنها در آن بسر میبرند؛ فلات نجد است. ولی در آنجا هم بعزت پیوندهای خویشاوندی قبایل با آل سعود؛ اینان چندان کاری از پیش نمیبند.

جنگ میان دولت مصر و اسلامیستها ۲۰ سال بطول انجامید و جنگ اسلامیستها با دولت الجزایر ۱۲ سال طول کشید. حال عربستان چقدر باید وقت صرف کند؛ تا غولی را که خود پرورده است بکشد؛ هر کس میتواند حدسی در این باره بزند. ولی قدر مسلم اینست که شکست اسلامیها در عربستان؛ قطع سر این آژدهای هفت سر را در جهان آسانتر خواهد ساخت.